



میزان باسواد ی در گلستان کمتر از میانکین کشوری است

مدیر نهضت سوادآموزی گلستان گفت: میانگین باسوادی در استان ۲.۵ درصد پایین تر از میانگین کشوری است.

به گزارش خبرنگار مهر در گرگان، قاسم محمدی صبح پنجشنبه در گفتگو با خبرنگاران در گرگان افزود: در حال حاضر ۸۴.۶ درصد جمعیت استان باسوادند که این میزان در کشور به ۸۶.۱ درصد می رسد. وی اظهار داشت: مسائل مالی و کمبود نیروی انسانی و آموزشیار از جمله مشکلات فراوری این نهضت برای جبران عقب ماندگی است. وی تعداد آموزشیاران مورد نیاز را هزار و ۱۱۷ نفر اعلام و اضافه کرد: از این نظر با کمبود نیروی انسانی روبرو هستیم که در این زمینه باید برنامه ریزی شود.

به گفته محمدی، سال گذشته در دو شاخص روابط عمومی و آموزش پایه و تحت پوشش قرار دادن افراد بی سواد رتبه کشوری کسب کردیم. مدیر نهضت سوادآموزی گلستان بیان داشت: در آینده به فکر استخدام آموزشیار و جذب نسیتم، بلکه باید از تشکلهای غیردولتی مانند بسیج سازندگی، هلال احمر، دهباران روستا برای جذب سوادآموز استفاده کنیم. وی یادآورشد: تمام تلاش نهضت بران است تا پایان این برنامه چهارم توسعه، بی سوادان زیر ۳۰ سال را زیر پوشش درآورد و علاوه بر آن درصددیم تا جشن شکرگزاری را در روستاهای واجد شرایط اجرا کنیم. وی عنوان کرد: جشن شکرگزاری باسوادی در روستاهای که ۹۷ درصد جمعیت خواندن و نوشتن بلد باشند، برگزار می شود.

برگزاری مراسم احیاء در حرم مطهر امام (ره)

به رغم اعلام قبلی آستان مقدس حرم امام خمینی (ره) مبنی بر برگزاری نشدن مراسم احیاء در سال جاری در این مکان، شب گذشته مراسم شب نوزدهم با حضور اقشار مختلف مردم در حرم مطهر امام (ره) برگزار شد.

معاون فرهنگی آستان مقدس حرم امام خمینی (ره) در این خصوص به ایرنا گفت: بسیاری از خانواده هایی که شب گذشته در حرم حضور داشتند از لغو برنامه در حرم مطهر مطلع نبوده و به همین دلیل مراسم شب احیاء و قرائت ادعیه های افتتاح، ابوحنزه ثمالی و جوشن کبیر برگزار شد.

حجت الاسلام "اصغر جوادی" افزود: این برنامه شب گذشته بدون سخنران و با حضور اقشار مختلف مردم که به صورت خانوادگی در حرم حاضر شده بودند، برپا شد و هیچ یک از مسولان نیز در این مراسم حضور نداشتند.

افتتاح مسجد "محمدرسول الله"

ایگدر سفلی

✽ **آته محمد بیات**

مسجد محمدرسول‌الله تقریباً با زیر بنای ۲۵۰ متر مربع با زمین وقتی نیم هکتار در ضلع شمالی ایگدر سفلی به صورت نیمه‌کاره مورد بهره‌برداری قرار گرفت زمین فوق از سوی آمان‌گلدی محمد عظیمی و ورثه‌های مرحوم حاج شیخ محمد خانیور و ورثه‌های حاج ابراهیم خانیور (خلیل) ۱۷ سال پیش جهت ساخت مسجد و حوزه‌ی علمیه وقف شده است.

اخیراً در عرض ۶ ماه فعلاً با هزینه تقریبی ۲۰ میلیون تومان نیمه‌کاره، افتتاح گردید. ساخت این مسجد را غلام خانیور یکی از فعالین عرصه‌ی فرهنگی و اجتماعی مدیریت کرده است. غلام خانیور گفت: تمامی هزینه‌ها توسط اینجانب و برادرانم عبدالحمید - نورمحمد و اعضای فامیل محمد - آمان‌گلدی - آق‌محمد - پوسلک (ناصر) عظیمی پرداخت گردید و کمک جزئی از طرف افراد خیر غیر بومی پرداخت گردید.

فعلاً از سوی مسئولین نیز کمک مادی صورت نگرفته ، امیدوارم در آینده صورت بگیرد به برکت ماه رمضان در هفدهمین روز این مسجد افتتاح گردید و برنامه‌ی مفصلی انس با قرآن کریم نیز توسط سازمان تبلیغات اسلامی اجرا و به ۳ نفر از برترین‌های قرائت قرآن کریم جوایز از سوی آنان اهدا گردید. در این مراسم معنوی روحانیون منطقه و اهالی محل و بخشدار مرکزی و اعضای سازمان تبلیغات اسلامی گنبد و چهره‌های روحانی چون استاد قارلی آخوند و عبیدی آخوند سخاوی و نماینده اوقاف گنبد عیسی آقچعلی و دیگر علما و اساتید و جوانان پرشور روستا حضور داشتند.

شایان ذکر است نماز جماعت عصر و شب بعد از افتتاح و مراسم مفصل انس با قرآن برپا گردید و نماز تراویح همراه ختم در ۶ شب برقرار خواهد بود.

فعلاً سقف مسجد کار شده نمای بیرونی و داخلی و حصار کشی صورت نگرفته است. غلام خانیور در خصوص اهدا زمین نیمه‌هکتاری به مسجد گفت: فضای معنوی در روستای بزرگ ایگدر سفلی بسیار تنگ است به همین خاطر زمین فوق از طرف و بنام روحانی بزرگ ولی آخوند ایگدر (جد ما) وقف گردید ولی آخوند ایگدر تقریباً ۱/۵ قرن پیش در بخارا تحصیل و حدود ۱۰۰ سال پیش در مدینه فوت می‌کند و قبر وی در جنت‌البقیع مدینه قرار دارد. این اطلاعات توسط شیخ محمد حاجی چهل سال پیش حین عزیمت به حج دریافت و ۱۷ سال پیش اهل فامیل تصمیم می‌گیرند زمین فوق را به نام آن عالم فرزانه اهدا نمایند ولی آخوند ایگدر فرزند پوسلقت خان در کوند و سونگی داغ ساکن بوده است. روستای ایگدر سفلی بیش از ۷۰۰ خانوار و تقریباً ۴۰۰۰ نفر جمعیت دارد و دارای چهار مسجد و مدارس ابتدایی و راهنمایی و دارای خانه بهداشت و فاقد درمانگاه می‌باشد.

اخیرا طرح هادی نیز نیمه کاره رها شده و اهالی روستا از وجود مرغداری‌های بسیار در اطراف نزدیک روستا رنج می‌برند.

یکی از اهالی گفت: روستای ایگدر سفلی آب آشامیدنی شهرستان گنبد را تامین می‌کند ولی متأسفانه چاه‌های زمین‌هایمان دارد خشک می‌شود.

مفقودی

دفترچه کشاورزی به شماره مسلسل ۲۴۴ به نام نازگلدی یارعلی مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط می باشد

دانش آموز ممتاز

آنان بیات

فرزند آته محمد

پایه اول مدرسه راهنمایی نمونه

دولتی دخترکشیایی

با معدل ۱۹/۹۸

با تشکر از ولی محمد اوزین دوچی،

دبیران و سرپرست آموزشگاه



شعرهای ناب از سه عنصر: ۱- زبان ۲- خیال ۳- اندیشه شکل می گیرند و آن سه عنصر در واقع از عناصر ذاتی شعر هستند که شاعران از آن عناصر تبعیت می کنند. حال شرح مختصر آن عناصر با ذکر مثال:

عنصر زبان: در عنصر زبان شاعر با بهره گیری از دریافت های زبان از محیط بیرونی(قبل از آنکه به نیروی عقلانی روی آورد- به هم آهنگی ترتیب شب و روز و گذشت فصول سال و نغمه دلنواز- پرندگان و غیره التفات می نماید) و به مدد موسیقی درونی کلام و با استفاده از واژگان متناسب با اوزان عروضی و هجائی و یا با به کار گیری نثری آهنگین، مابین کلمات نامتحد، اتحاد و یگانگی معنوی برقرار می کند و اثری زیبا و شور و هیجان آور بوجود می آورد.

مثال از دیوان اشعار

مختومقلی فراغی:

بلند داغلاز بیبک لینگه بویسانما

گذرده سو بولوپ زردک بولارسین

ترینگ دریا هیبتینگه غولانما

وقت یتسه غورواب یردک بولارسین

ترجمه: ای کوه های بلند سر به فلک کشیده،

به بلندی و بزرگی خود منازید، زیرا سرانجام گرد و خاکی بیش نخواهید شد.

ای دریای ژرف(رودخانه ماهیت) به هیبت خود مغرور مباش زیرا سرانجام زمینی خشک بیش نخواهی شد.

کوه و دریا، در ابیات فوق از معانی حقیقی خود فراتر می روند و حالت استعاری و سمبولیک بخود می گیرند.

و با مثالی دیگر از رزم نامه سیدی:

دیک دیر سریم، دوش من، دوشمان آستینا سیل دی آفتا، فاندان غان مامان یک لر
که سید ناظر سیدی یکی دیگر از کلاسیک شعر و ادب ترکمن، برای هم آهنگی کلام با وزن از کلماتی استفاده میکند که حروف تشکیل دهنده آن در هم آهنگ بودن با وزن و متناسب بودن با مضمون اثر نقش دارد مانند حروف خوش حلقی:ق،ق و غیره در بیت فوق

مثالی از هفت گنبد نظامی گنجوی که نظمی زیبا دارد و نظمش که گاه دامن خود را تا حدود دنیای شعر می گستراند:

چون که ماهان سلام خضر شنید تشنه بود، آب زندگانی دید:

دست خود را سبک به دستش داد دیده دریست، و در زمان بگشاد

عنصر خیال:شاعر به مدد تخیل خود، ذهنیات خود را منجلی می سازد و پرده ها را کنار میزند و واقعت هایی را که در اعماق هستی پنهان هستند،

فرهنگ

مقالی به اندک در خصوص شعر و شاعری

✽بایرام قلیچ فرزام

در قالب: صورت، تمثیل، اشاره، استعاره، نقل، تلمیح و سمبول بیان می کند و مفاهیم انترای را به تصویر می کشد.

مثال از دیوان اشعار مختومقلی:

یا پارادان قادر، قدرتینگ کان دیر

اول قدرت ایش لره، عقل حیران دیر

فکر یتمز، یا رب نیچیک پنهان دیر

ظلمت ایچره، غویدونگ سووونگ یاغشی سین
ترجمه:بارانها! قدرت ات بی حد است، عقل در قبال قدرت ات حیران است و فکر و اندیشه را آن توان نیست که بداند: چرا آب حیات را در ظلمت قرار داده ای؟

شعر صورت تلمیح را دارد و آب حیات، آب زندگی را می گویند که آن آب چشمه ایست که در ظلمات قرار دارد و هر کس از آن شایمدا هرگز نمیرد و خضر پیغمبر از آن چشمه آب حیات را نوشیده است.

مثالی دیگر از حافظ شیراز:

دوش آهگی داد زیار سفر کرده باد

من نیز دل به باد دمم هر چه باد، باد

حافظ به عنصر طبیعی باد، هیأت انسانی داده و به صورت موجودی عینی درآورده است تا از یار سفر کرده اش خبری برای او آورد.

ملا نفسی نیز می گوید:

بیراشدا بیلیب بولسام

یا،نا کول بولسام

شعر عارفانه تخیلی است و ترجمه اش چنین است: کاش بلبلی شنیدا بومد و با مکرر سوختن خاکستر می شوم.

عنصر اندیشه: شاعر به رسالت انسانی توجه دارد و از روح حماسی و روح عرفانی و دردهای اجتماعی که دردهای پنهان هستند سخن می گوید و در نتیجه شعر ناب خلق می کند و در شعر فارسی بزرگانی چون حافظ و مولوی و غیره و در شعر و ادب کلاسیک ترکمن نامدارانی چون مختومقلی فراغی و ملاتفس پرچمدار و کاروان سالار اینگونه اشعار هستند.

مثال از اشعار مختومقلی فراغی:

بیلیب لر مست بولسون، عالم آیلسون

غاغلی لار دفع بولسون، غم لار ساویلسون

نوشیروان وقتی دک، جهان یایلسون

رحم ایله بیپ یاغمور یاغدیر سلطانیم
ترجمه: خداوند! باران رحمت را بباران تا در جهانی چون زمان نوشیروان عدالت و روشنائی ها گسترش یابد و غصه ها رفع و شور و غم با برطرف گردد و بلبلان سرمست شوند و جهان را هوشیاری فرا گیرد.

و یا حافظ می فرماید:

مرا در منزل جانان چه امن و عیش، چون هر دم جرس فریاد میدارد که بریندیلم، محمل ها

و ذلیلی نیز به بطور عارفانه میفرماید:

ذلیلی دیر شام چترانغم= یکی جهان دا گره گیم
عشقندان دولیب دیر، بوره گیم= آگسه بیلمن سوز یبلائی

ترجمه: ذلیلی می گوید: ای شعله رسان(چراغ) دو جهانم، قلبم مملو از عشق است که کاستن آن با سخن برایم مقدور نیست.

و اما اینکه محتاجی و معروفی هم از شعرای کلاسیک ترکمن هستند که عناصر: تخیل و الفاظ و نحوه بیان از ابزار کارشان است که بر عنصر اندیشه

دختران ترکمن شب قدر هدیه می گیرند

دختران ترکمن شب قدر چشم انتظار همسر آینده خود می مانند تا هدیه ای دریافت کنند. آنها اعتقاد دارند این هدیه خوش یمن است و برای زندگی برکت می آورد.

دختران ترکمن در شب قدر که میان آنها معمولاً به ، قدر گیشه معروف است ، چشم انتظار همسر آینده خود می مانند. آنها می دانند که قرار است به مناسبت این شب عزیز هدیه ای از او بگیرند. این هدیه در زبان محلی ، " قدر ایپیش " نام دارد و نشانگر اهمیت و ارزش این شب نسبت سایر شب های سال است. ترکمن ها با در قافوس بومی و اعتقادی خود ، این هدیه بردن برای نو عروس را خوش یمن و برای زندگی آن زوج ، مبارک می دانند . چرا که این شب ، شب نزول قرآن است.

البته ترکمن ها برای این شب خجسته ، برنامه ها و مراسم دیگری را هم تدارک می بینند که بیشتر به جشنی بومی – مذهبی می ماند. آنها این شب را همچون عیدی بزرگ پاس می دارند و به میهمانی و شب نشینی و شادی می پردازند. زنان ترکمن از شب های قبل برای این جشن ، شیرینی ها و تنقلات محلی خاصی آماده می کنند ؛ از جمله نوعی شیرینی محلی مخصوص به نام بومی " بیشمه " که در واقع شیرینی مخصوص این شب است.

علاوه بر " بیشمه " ، نوعی کیک برنجی به نام " کومیشدان " هم پخته می شود. و همچنین نوعی سمبوسه که در زبان محلی به " بورک " معروف است ؛ این غذای قدیمی که تاریخی چند صد ساله دارد غذای محلی خوشمزه و پرطرفداری ست که مخصوصا در شب نشینی ها استفاده می شود. زنان ترکمن ، برای تهیه نان این سمبوسه، آرد را با نمک الک می کنند و وسط آن را باز کرده و مقداری کره آب شده می ریزند و دوباره مواد را مخلوط می

غالب آمده اند.

کما اینکه ولی محمد کمینه می فرماید:

آلپ دیر، البته داشلی سوتی نی

یادامان، دیام دن اورار غاریب لیق

که در این بیت ابزار کار شاعر، تخیل و نحوه بیان است و واژه غاریب لیق(فقر و نداری) مفهومی انترعای است که چون انسان، سنگ هاون را بر دست گرفته و بطور خستگی ناپذیری آنرا بر سر شاعر فرود می آورد و شاعر بر رنج و درد و فقر و نداری را لحظه به لحظه تحمل می کند.

و محتاجی نیز به سبب سرودن آثار اروتیکالی و بیان اسارت خود، زندگی تراژدی گونه ای دارد و دردهای خصوصی خود را بیان می کند و در شعری می گوید:

ما تاجی دیر، منی اودا یاقماغا

آناگول ایسیم لی زیبا یار دؤرؤر

و معروفی هم ضمن سرودن آثار رزمی و عاشقانه خود حرکت های میهنی و ملی مختومقلی فراغی را مد نظر میگیرد و در آثار رزمی خود می گوید:

آلتیش باشلی آلا غارلی داغ لاردان

آت مینیب اوستوندن اوتیم غالدی

و یا در عاشقانه های خود می گوید:

سوییشیم دونیاده ایکی نارسانی

بیر آنا عاشیقیم، بیر ده گوزه له

اما بعد از شاعران کلاسیک شعر و ادب ترکمن که قریب به دویست و پنجاه سال از عصر آنان می گذرد گروهی بدون آنکه به نیروی ذهنی و قدرت تخیل و اقتدار ففاسازی روی آورند و بجای تعقیب به ایهام که لازمه شعر واقعی است اتکا نمایند، به چشم اندازهای ساده، چشم دوخته اند و بدان روی آورده اند و شعر را همان تساوای طولی و نحوه سخنوری می دانند و نظم هایی را می سرایند و آنها را شعر می دانند که در واقع شعر نیستند. ولی ناگفته نماند در دو، سه دهه اخیر در سرزمین ما اندک شماری از شاعران راهی سوای آنان پیش گرفته اند و با نفوذ به بطن اشیاء و بخشیدن صفات و خصوصیات انسانی به اشیاء و با شناسایی اعماق هستی و با گشودن پرده های رازآمیز و با بیان ایهامات به صورت ایجاز، شعرهای ناب خلق کرده اند که نیاز به بررسی و معرفی دارند تا برای آن گروه نظم سرا لگوئی باشد و موجب شود که آنان نیز قادر به خلق شعرهای ناب باشند.

میتوان نوشتت کما ایکنه:
آقای هاشمی نوشته است:
بندر ترکمن

اندوه پس نشستن دریا

در چشم های گود مورب

که گوئی

همراه افق را می کاوند

حلالحتی آن دم

که رویا، روی

در چشمت می نگرند

هجوم رنج و

غرور هرگز واپس نشستن

این حکایات کهن است

که دیدن گان ترکمنی

به کم سخنی

اندکی از آن را باز می گویند.

شب از اسرار علی آگاه است

شعری از عارف بزرگ آذربایجان شهریار



علی آن شیرخدا شاه عرب

الفتی داشته با این دل شب

شب ز اسرار علی آگاه است

دل شب محرم سر الله است

شب شفته است مناجات علی

جوشش چشمه عشق ازلی

کلماتی که چو در آویزد گوش

مسجد کوفه هنوزش مدهوش

پیشوایی که ز شوق دیدار

می کند قاتل خود را بیدار

می زند پس لب او کاسه شیر

می کند چشم اسارت به اسیر

چه اسیری که همان قاتل اوست

تو خدایی مگر ای دشمن دوست

شبروان مست ولای تو علی

جان عالم بفدای تو علی

منبع . سایت دانشجویان ترکمن

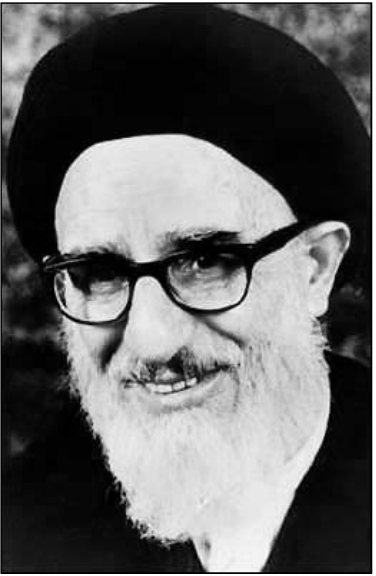
گشت و گذار



به یاد آیت الله طالقانی؛

سه دهه با یاد آیت الله طالقانی مردی از

جنس قیام و انقلاب



حضرت آیت الله سید محمود طالقانی از جمله مجاهدانی است که در صداقت، ایمان و ایستادگی در مسیر اسلام و مبارزه علیه ظلم و جور زمانه و احیای تفکر اسلامی، به تعبیر حضرت امام خمینی(ره) همانند ایوبز در صدر اسلام بود.

به گزارش خبرنگار مهر در کرج، آیت الله سید محمود غلابی طالقانی از فعالان عرصه دین و سیاست

بود، هر چند او در امور سیاسی مشهورتر است، اما آموزه ها و سابقه دینی وی بود که او را به عرصه سیاست کشاند. از همین رو هیچگاه در این عرصه کسوت دینی خود را رها نکرد و از پایگاه دین به مبارزه پرداخت.

آقا سید ابوالحسن، پدر آیت الله طالقانی در منش و سیره فرزند بسیار مؤثر بوده است. او از یاران آیت الله حسن مدرس بود و در اواخر دوران سردار سپهی رضاخان جلساتی علیه او برگزار می کرد. جلساتی که سرانجام به تعطیلی کشیده شد، اما آقا سید ابوالحسن همچنان ارتباطش را با مخالفان رضاشاه از جمله مدرس حفظ کرد و این ارتباط در دوران تبعید مدرس نیز از طریق نوشتن نامه بر روی کاغذ سیگار ادامه پیدا کرد. آقا سید ابوالحسن با وجود مراتب بالای علمی هیچ گاه از سهم امام (ع) ارتزاق نمی کرد و از طریق ساعت سازی امرار معاش می کرد.

سیدمحمد در نزد چنین پدری در دو حوزه علم و عمل، آموخت و پس از طی تحصیلات ابتدایی به حوزه علمیه قم رفت. در مدارس رضویه فیضیه این شهر در نزد استادانی چون آیات حجت کوه کمری و سید محمد تقی خوانساری تلمذ کرد. همچنین از سوی آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی اجازه اجتهاد یافت. پس از آن مدت کوتاهی در نجف اشرف رحل اقامت افکند و چندی از محضر آیت الله حاج سید ابوالحسن اصفهانی بهره برد. پس از آن به تهران بازگشت و در سال ۱۳۱۷ در مدرسه سپهسالار به تدریس علوم دینی پرداخت.

طالقانی از همان دوره رضا شاه زندان را تجربه کرد. محکومیت حبس شش ماهه او در نتیجه دفاع وی از یک زن محجبه بود. فضای باز پس از شهریور ۲۰ موجب شد که طالقانی در تاسیس کانون اسلام بکوشد. مجمعی که جوانان و قشرهای تحصیل کرده را با مبانی دینی آشنا می ساخت. مدتی هم در رادیو تهران برنامه های مذهبی اجرا کرد. بدین ترتیب حتی از ابزار مدرن روز برای ارتباط با اقشار گوناگون جامعه غافل نماند.

علاوه بر این فعالیتیها در عرصه سیاسی با نهضت ملی شدن صنعت نفت همراه شد و به هنگام اختلاف مصدق و کاشانی، برای اتفاق و آشتی میان این دو تلاش فراوان کرد. هر چند که برخی از مخالفانش برای تخطئه این تلاشها و فرو کاهیدن از مقامش او را سید محمود واعظ خطاب کردند. اما آیت الله طالقانی تعلق ناپذیر بود و با هرگروه و جمعی که در مبارزه با رژیم بود، همدمی داشت. به طوری که نواب صفوی را به سال ۱۳۳۴ در منزلش مخفی کرد و به این دلیل چندی را در زندان سپری کرد.

همچنانکه پس از سقوط دولت مصدق در نهضت ملی مقاومت و سپس جبهه ملی حضور داشت. سرانجام به همراه دو دوست دیرینه اش، مهندس مهدی بازرگان و دکتر عبدالله سحابی، نهضت آزادی ایران را با سبقه مذهبی بنا نهاد. از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۲ سه بار بازداشت شد که در واپسین بار به ده سال زندان محکوم شد.

هر چند که در سال ۱۳۴۶ با عفو عمومی آزاد شد، اما از همان سال تا سال ۵۰ دویار تجربه زندان را از سر گذراند. سرانجام در سال ۱۳۵۰ با دستور ساواک به کمیسیون حفظ امنیت اجتماعی تهران به زایل تبعید شد. اقدام مذکور با اعتراض علما از جمله آیت الله حاج شیخ احمد آشتیانی طالقانی و عاشارا که به منزله رفراندوم خیابانی برای تغییر رژیم بود، نقش کلیدی داشت.

ساواک خود به نتوانای خویش در مقابل وی معترف بود: "اغلب اوقات در مسجد حضور دارد. مخصوصا هنگامی که جمعیت زیاد باشد، هوس منیر رفتن پیدا می کند. از دادن تمهد امتناع می نماید و هر وقت این موضوع را با او درمیان می گذارند با تغیر جواب می دهد کتبا به من ابلاغ کنیید." دیگر آن که به صورت ایستاده یا نشسته به ایراد سخنرانی و تفسیر قرآن می پرداخت تا محملی برای گریز از ممنوع المنیر بودن باشد.

بهمن ۵۷ برخه ای دیگر از زندگی آیت الله طالقانی را رقم زد. آیت الله طالقانی بر خلاف آنچه برخی از گروهها می کوشیدند او را در مقابل رهبری نهضت، امام خمینی قرار دهند، در شورای انقلاب به ریاست آیت الله مطهری، شاگرد برجسته رهبر فقید انقلاب حضور یافت و حتی به حکم امام خمینی امامت جمعه شهر تهران را بر عهده گرفت.

متضبی که او را دیگر بار در ارتباط مستقیم با توده ها قرار داد. او در تاسیس نظام نر تنها بر ارتباط مستقیم حاکمان با توده ها تاکید داشت، بلکه با پیشنهاد ایجاد شوراها بر واگذاری امور به مردم صحه می گذاشت. طالقانی بر اساس همان آموزه های دینی نه به طبقاتی کردن جامعه می اندیشید و نه به دموکراسی نخچه گرا تکیه داشت.

بی جهت نبود که به عنوان نماینده مردم در مجلس خبرگان قانون اساسی هیچگاه بر صندلیهای قرمز مجلس سنای سابق تکیه نرزد که او آن صندلیها را جایگاه کسانی می دانست که به خاطر قائل شدن حق و امتیاز ویژه برای خود به سرکوب مردم دست یازیدند.

سرانجام آیت الله طالقانی پس از سالها مجاهدت و تحمل سختی های فراوان در نخستین ساعات روز ۱۹ شهریور ۱۳۵۸ دار فانی را وداع گفت. او در حالی از دنیا رفت که نظام نوپای جمهوری اسلامی دوران تاسیس خود را طی می کرد و در این راه به طالقانی سخت نیازمند بود. ننازی که با میراث طالقانی در ارتباط با توده ها، باز خوانی آموزه های دینی و واگذاری امور به مردم تا حدودی مرتفع می شد.

و امروز سالروز آن مرد بزرگ است، مردی از جنس علم و درد و قیام و انقلاب و آزادیگی با تباری از سوی رامردان بزرگ عرصه تاریخ بشریت. یادش همواره گرامی باد.

✽گردآوری: اعظم کریمی